

تبیین سیاست خارجی ایران در جبران خسارت زیست محیطی در حوزه خلیج فارس

محسن امامی قشلاق^۱

دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین الملل واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر سید محمد هاشمی^۲

استاد مدعو، گروه حقوق عمومی و بین الملل واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

دکتر محسن محبی^۳

استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر ولی رستمی^۴

دانشیار گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷

چکیده

بحث‌های زیست محیطی امروزه در محافل علمی و حتی سیاسی پر سر و صداترین و جدی‌ترین بحث‌هایی است که مطرح می‌شوند. خلیج فارس به دلیل وجود منابع عظیم نفت و گاز و شرایط خاص زیست محیطی، اهمیت بالایی دارد به‌علاوه عمق کم، شوری آب، گرمی هوا، ارتباط محدود با آب‌های آزاد جهان و مسائل ناشی از بهره برداری منابع فراوان انرژی آن، اکوسیستم ویژه‌ای دارد. این ویژگی سبب شده است تا در برابر منابع آلوده‌کننده به شدت آسیب پذیر باشد. در کنوانسیون کویت پنج منبع آلودگی شناسایی شده در خلیج فارس شناسایی شده که عبارتند از: آلودگی ناشی از تردد کشتی‌ها، آلودگی ناشی از تخلیه مواد زائد از کشتی و هواپیما، آلودگی واقع در خشکی، آلودگی ناشی از اکتشاف و بهره برداری از منابع بستر و زیر بستر دریا، آلودگی ناشی از سایر فعالیت‌های انسان در خلیج فارس. بنابراین کشورهای پیرامون خلیج فارس در جهت تصمیم‌گیری راهبردی در تلاش می‌باشند که با رعایت دقیق قراردادهای بین‌المللی در راستای پاکسازی و بهسازی این اکوسیستم از آلودگی‌ها جلوگیری کنند و برای کاهش آلودگی دریایی، همکاری‌های زیست محیطی را جز ملزومات خود قرار دهند کشور ایران نیز در قوانین مختلفی بر اهمیت پیشگیری از آلودگی به دریاها تأکید کرده است، از جمله قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زائد و دیگر مواد قابل ذکر است. با توجه به لزوم جبران ضرر و زیان در نظام‌های حقوقی، مطالعه و بحث از مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارات زیست محیطی از جایگاه ویژه‌ای در مباحث حقوقی برخوردار خواهد بود، سؤال مدنظر این تحقیق این است که سیاست خارجی ایران در جبران خسارت زیست محیطی در حوزه خلیج فارس چگونه می‌باشد؟ فرضیه و پاسخ ارائه شده این است که در این راستا مطالعات انجام شده در حقوق ایران بیانگر آن است که اصل اولیه مورد پذیرش برای مبنای مسئولیت مدنی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است ولی این مسئولیت پاسخگوی نیازهای امروزی در خصوص جبران خسارات وارده بر محیط زیست در مواردی که زیان قابل انتساب به دولت نیست نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، خلیج فارس، ایران، جبران خسارت

1. m_emami63@yahoo.com
2. dr.sm.hashemi@gmail.com
3. m-mohebi@srbiau.ac.ir
4. vrostami@ut.ac.ir



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱. مقدمه

انسان و محیط زندگیش همواره دو واژه قابل تفکر و بحث انگیز است که بر اساس آثار بجای مانده پیشینیان و از ماورای قرن‌ها و بلکه هزاران سال قبل مورد سؤال بوده و در هر دوره‌ای به فراخور حال و همراه با پیشرفت بشر و از دیدگاه‌های مختلف مطالعات زیادی درباره آن انجام گرفته. محیط زیست از جمله زمینه‌هایی است در نظام حقوقی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد بنابراین حمایت و حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از ارزشهای اساسی و اصلی جامعه و یکی از دغدغه‌های نظام حقوقی هر کشوری است. طوریکه این در کنار ارزش‌هایی چون حق حیات و حق زندگی قرار گرفته است. اهمیت دریاها و اقیانوس‌ها در حمل و نقل، شیلات، تأمین انرژی، برخورداری از منابع عظیم معدنی و سهم آنها در برقراری توازن زیست محیطی آشکار می‌باشد خلیج فارس دریایی است که در مقابل آلودگی بسیار آسیب پذیر است. خلیج فارس شاهراه انتقال انرژی و نیز یکی از اصلی‌ترین مسیرهای ترانزیت کالا به اقصای نقاط جهان به شمار می‌آید. (جوادی، ۱۳۸۷: ۵۵) که به دلیل عمق کم، شوری آب، گرمی هوا، ارتباط محدود با آب‌های آزاد جهان و مسائل ناشی از بهره‌برداری منابع فراوان انرژی آن، اکوسیستم ویژه‌ای دارد. این ویژگی سبب شده است تا در برابر منابع آلوده‌کننده به شدت آسیب پذیر باشد. تخلیه زباله‌های شهری به خلیج فارس، ورود پساب گرم کارخانه‌ها، تخلیه پساب شور دستگاه‌های آب شیرین کن، استفاده از ماسه بستر دریا برای فعالیت‌های شهرسازی و صنعتی، استفاده از سموم دفع آفات نباتی و کودهای شیمیایی، عملیات اکتشاف و استخراج نفت از بستر دریا، فوران احتمالی چاه‌های نفت، برخورد نفتکش‌ها و غرق شدن آن‌ها، تخلیه آب موازنه کشتی‌ها، حمله نظامی به نفتکش‌ها و سکوها نفتی، انفجار چاه‌های نفت در اثر جنگ، محیط‌زیست خلیج فارس را به شدت به خطر انداخته است. (عقیلی، ۱۳۸۶: ۸۷) مطالعه تاریخ مسئولیت مدنی بیانگر این است که مسئولیت مدنی از ابتدا تاکنون تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است. علی‌الخصوص در حقوق ایران که مقررات مسئولیت مدنی آمیزه‌ای از قواعد اسلامی و قوانین اقتباس شده از غرب می‌باشد. با گسترش مسئولیت مدنی و ارائه نظریه‌های جدید به عنوان مبنای مسئولیت مدنی؛ امروزه این سؤال مطرح می‌شود که آیا مبناهای سنتی می‌تواند در تمامی موارد مسئولیت مدنی راه گشا باشد یا بایستی دنبال مبنا یا مبناهای دیگری بود. یکی از موارد مطروحه در حیطه □



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۸۸

سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

مسئولیت مدنی؛ بحث جبران خسارات زیست محیطی توسط دولت می‌باشد که در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا در سیاست خارجی ایران اساساً الزامی بر جبران خسارات وارده از سوی خود بر محیط زیست به ویژه در خلیج فارس را دارد یا خیر؟ و اگر الزامی وجود دارد این الزام بر چه اساس و منطقی استوار است. در پاسخگویی به سؤال مذکور بررسی مبنای مسئولیت مدنی ضروری می‌باشد. با تدقیق در قوانین ایران معلوم می‌گردد که براساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب ۱۳۳۹، مسئولیت مدنی در حقوق ایران براساس تقصیر استوار است. ولی آیا تقصیر می‌تواند به عنوان مبنایی جهت شناسایی مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارات زیست محیطی مورد قبول واقع شود یا طرح مبنای دیگری مبتنی بر ضروریات اجتماعی و اخلاقی ضروری است. در این راستا نظریات مختلفی از سوی اندیشمندان مطرح گردیده است که مبتنی بر بنیادهای اجتماعی و اخلاقی می‌باشد که می‌تواند بعنوان راه حلی در شناسایی تکلیف دولت همانند سایر تکالیف که ناشی از اعمال و وظایف حاکمیتی دولت است راه گشا باشد. از طرف دیگر باید دید که از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظرات اسلام بنا شده است چه میزان از دستورات اسلامی در مسئولیت دولت در حفظ محیط زیست و جبران خسارات وارده بر آن لحاظ شده است. روش تحقیق در این پژوهش روش کتابخانه‌ای به صورت گردآوری اطلاعات به صورت توصیفی از کتابها و منابع کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از مقالات می‌باشد.

۲- چارچوب نظری (همگرایی)

همگرایی: اصطلاح همگرایی هم به «فرایند» همگرایی و هم به «فرجام» این فرایند گفته می‌شود و از همگرایی دو تعبیر می‌شود. یکی فرایندی که در آن ملت‌ها از تمایل و توانایی خویش نسبت به تدبیر مستقل سیاست خارجی و سیاست‌های داخلی خود صرف‌نظر کرده و در پی تصمیم‌گیری مشترک و یا تعویض روند تصمیم‌گیری به سازمان‌های ناظر جدیدی هستند و دیگری تکامل تدریجی یک نظام تصمیم‌گیری جمعی در میان ملت است (فرانکل، ۱۳۷۶: ۸۳). حرکت همگرایی از حوزه و قلمروی اقتصادی به سوی حوزه سیاسی است.

آنچه که همگرایی و به‌صورت ویژه همگرایی منطقه‌ای خوانده می‌شود، ناشی از ضرورت‌های سیاسی و امنیتی محض نبوده است؛ بلکه بروز نوعی فرهنگ سیاسی نوین،



زمینه‌های ایجاد آن را فراهم کرده است. نظریه همگرایی، افزون بر تجزیه و تحلیل نظری از پدیده همگرایی، تحقق این آرمان را در قالب وحدت منطقه‌ای (منطقه‌گرایی)، وحدت ساختاری (فدرالیسم) و وحدت جهانی (یونیورسالیسم) امکان پذیر می‌کند (جمالی، ۱۳۸۵: ۲۱۷). عوامل متعددی در ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای نقش داشته و دارند. امکان به‌کارگیری آسان‌تر از امکانات در یک منطقه، جهت رسیدن به اهداف مشترک، وابستگی متقابل کشورها، زمینه‌های همکاری قبلی، اندیشه‌های وحدت‌گرایانه منطقه‌ای و احساس خطر مشترک و نیاز به همکاری‌های بیشتر در مقابل دشمن مشترک برخی از این عوامل هستند (جمالی، ۱۳۸۵: ۲۵). همکاری‌های منطقه‌ای در خلیج فارس: کاملاً آشکار است که حفاظت از محیط‌زیست متضمن حفظ صلح منطقه‌ای است. درگیری منطقه‌ای و جنگ خلیج فارس محیط‌زیست وحوش و زیستگاه‌های طبیعی قابل توجهی را که در سال‌های اخیر با افزایش سطح آلودگی‌های نفتی و پتروشیمی درگیر کرده‌اند، بیشتر مورد تهدید قرار داده است. عواقب زیست‌محیطی جنگ برخی از زیستگاه‌های خاص را کاملاً نابودی کرده است. بررسی چشم‌اندازهای همکاری‌های پیشرفته به‌عنوان گامی به‌سوی صلح در منطقه خلیج فارس اهمیتی ویژه‌ای دارد. تغییر در نظم بین‌المللی از پایان جنگ سرد تاکنون خلأ قدرت را در خلیج فارس باقی گذاشته است. در این محیط از نظر سیاسی و نظامی نسبتاً متزلزل، افزایش سطح همکاری‌های منطقه‌ای مهم است. مفهومی که در رابطه با این خلیج به‌کار رفته، راهبرد «دفاع غیر تهاجمی» است. این راهبرد مستلزم افزایش اقدامات اعتمادسازی در میان کشورهای خلیج فارس و بالارفتن همکاری‌های چندجانبه و پیشرفته دیپلماتیک به‌سوی حل مشکلات مشترک منطقه‌ای است. تاریخ طولانی دخالت ابرقدرت‌ها، مانع همکاری‌های واقعی منطقه‌ای شده و یک جو دشمنی را در میان کشورهای خلیج فارس تقویت کرده است. این خلیج می‌تواند، منطقه‌ای باشد که مفهوم دفاع جمعی را در برگیرد؛ اما توسعه واقعی در این محدوده مستلزم افزایش فراوان اعتماد بین کشورهای منطقه است. اگر چه در مقایسه با نقاط دیگر، درگیری‌های جدی اندکی در خلیج فارس اتفاق افتاده است؛ اما تاریخ گذشته آن وجود بالقوه چنین درگیری‌هایی را نشان داده است. آشکار است که این منطقه و تک‌تک کشورهای آن به برقراری امنیت دوجانبه تمایلی زیاد دارند (هاشمی، ۱۳۸۷: ۹). خلیج فارس دارای یک اکوسیستم بسته دریایی است. بنابراین دخالت در سیستم طبیعی

آن محیط زیست منطقه را حساس و آسیب پذیر می کند و به دلیل وابستگی متقابل زیست محیطی آثار زیانبار آن به سواحلی ایران نیز مربوط می شود. کشورهای خلیج فارس باید با تدبیر و کارآیی خاص هر چه بیشتر در حفظ محیط زیست این منطقه کوشا باشند و برای جلوگیری از به خطر افتادن اکوسیستم آبی منطقه حداکثر تلاش خود را انجام دهند، اگر چه در این زمینه پژوهش های فراوان انجام شده بنابراین در جهت بهسازی و پاکسازی این اکوسیستم از آلودگی ها، همکاری های زیست محیطی کشورهای پیرامون خلیج فارس در جهت تصمیم گیری صحیح و راهبردی ضرورت داشته و همچنین رعایت دقیق قراردادهای بین المللی، جلوگیری از آلودگی دریایی و ترابری صحیح قوانین و ضوابط محیط زیست دریایی جزء ملزومات هستند. سهم اصلی آگاهی از حساسیت محیط زیست خلیج فارس در مقابل آلودگی ها و لزوم اعمال ضوابط دقیق جهت حفظ آن مربوط به کشورهای حوزه خلیج فارس می باشد، همانطور که آلودگی و تخریب دریا از مرزهای ملی و منطق های فراتر می رود، حفاظت از آن نیز محدود به مرزهای ملی نمی شود و خلیج فارس نیز از این امر مستثنی نیست و بدون همکاری کشورهای ساحلی اصولاً حفاظت از این منطقه امکان پذیر نمی باشد.

۳- محیط زیست خلیج فارس

خلیج فارس از نظر گیاهان آبی و جریان مرجانی بسیار غنی است. وضعیت موجود، شرایط مناسبی جهت رشد و نمو گونه های مختلف ماهی، میگو و سایر جانداران دریایی مانند گاو دریایی و لاک پشت بوجود آورده است. گیاهان و جانوران خلیج فارس به آبزیان حاره ای وابستگی دارند و جوامع زیستی آنها نیز دارای ویژگی ها و نیازهای زیست محیطی اکوسیستم های مناطق گرمسیری است، چنین اکوسیستم هایی متکی به انرژی خورشیدی هستند تا به بستر دریا نفوذ کرده و زمینه فتوسنتز را برای گیاهان دریایی از قبیل مرجان ها را فراهم سازند. محیط زیست منطقه خلیج فارس بر اثر فعالیت های گوناگون انسان دستخوش تحولات شده است که مهمترین این فعالیت ها عبارتند از:

- تغییرات فیزیکی محیط زیست بر اثر احیای زمین و فعالیت های معدنی و مهندسی در سواحل.

- صید بی رویه شیلات توسط کشتی های صیادی تجاری و شیوه های نامناسب صید آبزیان دریایی (رنجبر، ۱۳۸۷: ۳-۹)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۹۲

سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

-آلودگی ناشی از پسابهای صنعتی، استخراج نفت، فاضلاب‌های انسانی و کشاورزی، تخلیه زباله‌ها، دورریزهای کشتی‌ها و سکوها نفتی در سواحل آبهای ساحلی. با درک این حقیقت که آلودگی محیط‌زیست دریایی به نفت و سایر مواد شیمیایی یا سمی ناشی از فعالیت‌های انسان در خشکی یا دریا بین کشورهای حوزه خلیج فارس مشترک بوده و ایجاد خطر روزافزون برای حیات دریایی و سلامت انسان می‌تواند همسایگان این آبراه را با خطر مواجه کند؛ بنابراین همگان در برابر این آلودگی مسئول و متعهد هستند. هشت کشور ساحلی به‌علت درک مشترک مبنی بر لزوم جلوگیری از آلودگی دریایی خلیج فارس، به بستن قرارداد منطقه‌ای میان خود اقدام کردند. کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری در جهت حفاظت از محیط‌زیست در سال ۱۹۷۸ بین کشورهای ایران، عربستان، کویت، بحرین و امارات متحده عربی در کشور کویت با تأکید بر جلوگیری و یا کاستن از آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضر بسته شد (جوزی، جعفرپور و شعاریان، ۱۳۸۹: ۲۱۷)

۴-کنوانسیون منطقه‌ای ۱۹۷۸ کویت (راپمی)

منطقه خلیج فارس از سوی سازمان بین‌المللی دریانوردی و برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد با استناد به کنوانسیون حقوق دریاها، دریای نیمه بسته اعلام شده است که از راه تنگه هرمز به دریای عمان راه دارد و به موجب کنوانسیون مارپول «منطقه ویژه» معرفی شده است. مناطق ویژه دریایی به مناطقی گفته می‌شود که به دلایل شناخته‌شده فنی در ارتباط با شرایط اقیانوسی اکولوژیکی و ویژگی‌های ترافیک دریایی در آن، نیازمند توجه، حفاظت و مراقبت بیشتری هستند. این مناطق ممکن است شامل مناطق دریایی یک یا چند کشور باشند یا محدوده‌ای از مناطق نیمه‌بسته یا کاملاً بسته از آب‌های زمین را شامل شوند. از آنجا که منطقه دریایی خلیج فارس و دریای عمان یکی از پررفت‌وآمدترین مناطق دریایی جهان هستند (قادری، ۱۳۸۸: ۵۶)، قوانین و مقررات دقیق‌تر و گسترده‌تری در مورد حفظ محیط‌زیست دریایی به‌ویژه در خلیج فارس در نظر گرفته شده و مسئولیت‌های بزرگ‌تری برای کشورهای ساحلی این منطقه پیش‌بینی شده است.

در سال ۱۹۷۶ برنامه محیط‌زیست سازمان ملل، برنامه‌ای را به نام «دریاهای منطقه‌ای» ایجاد کرد. براساس این برنامه، هر منطقه‌ای که ویژگی‌های زیست محیطی و جغرافیایی مشابه دارد و همچنین کشورهای ساحلی در آن منطقه منافع مشترکی داشته باشند، بهتر است برای

دست یافتن به نتایج بهتر، مسائل منطقه را در سطح منطقه‌ای بررسی کنند (ممتاز، ۱۳۶۸: ۱۱). به دنبال این برنامه، ایران، بحرین، قطر، عمان، کویت، عراق، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۸ سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط دریایی یا کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط‌زیست دریایی و نواحی ساحلی را تصویب کردند. این کنوانسیون ضمن اعلام اینکه منطقه خلیج فارس از مناطق ویژه محسوب می‌شود، برای حفظ اکوسیستم طبیعی منطقه از راه بستن این کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی تدابیری اندیشیده است (فهم دانش، ۱۳۸۵: ۷۰). از آنجا که منطقه خلیج فارس همواره در معرض تهدید آلودگی ناشی از دریا و حمل و نقل دریایی بوده است، این کنوانسیون با ۳۰ ماده و باهدف تعیین وظایف اعضا برای حفاظت و حمایت از محیط‌زیست دریایی خلیج فارس و دریای عمان تدوین شد. به همین جهت در این کنوانسیون از کشورهای عضو خواسته شد که فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود در سرزمین‌هایشان را به‌شکلی تنظیم کنند که موجبات آلودگی محیط‌زیست دریایی را فراهم نکنند. براساس ماده ۳ کنوانسیون، کشورها تعهد می‌کنند تا به‌صورت انفرادی یا مشترک، کلیه اقدامات لازم را به‌کارگیرند و با یکدیگر همکاری کنند. در کنوانسیون کویت اقدامات فردی و جمعی کشورها در نظر گرفته شده است. (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۲).

۵- مبنای مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارت زیست محیطی

اگر چه بر مبنای اصول، زیان زننده مسئول جبران خسارت زیان‌دیده می‌باشد، مع هذا ممکن است در عمل به دلایل مختلف از قبیل عدم شناسایی عامل ورود ضرر یا از بین رفتن زیان زننده یا عدم استطاعت مالی او پرداخت خسارت غیر ممکن باشد و در نتیجه از نقش دولت در جبران خسارت زیان‌دیده بحث مطرح می‌گردد. حال پرسش اصلی این است که آیا اساساً دولت در قبال خسارات وارده بر محیط زیست مسئول است و اگر پاسخ مثبت است؛ آیا مسئولیت دولت همانند وارد کننده زیان نوعی دین محسوب می‌شود یا صرفاً تکلیفی است همانند سایر تکالیف بر عهده دولت. در این مبحث به بررسی این موضوع و یافتن پاسخ به پرسش‌های مذکور می‌پردازیم. جهت یافتن مبنای مناسب بررسی مبنای حقوقی جبران دولتی خسارت و سپس مبنای فقهی آن ضروری است.

۱-۵- مسئولیت مدنی دولت

دولت مهمترین و بزرگترین شخص حقوقی محسوب می‌شود و فعالیت‌های دولت در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، عمرانی و... تعیین مسئولیت این نهاد مهم را امری ضروری و اجتناب ناپذیر می‌سازد. دولت به مفهوم عام خود که موضوع بحث مقاله حاضر است شامل نهادهای حکومتی، ریاست کشور، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه و نهادهای موازی دیگر و همچنین شامل مقامات عالی رتبه از قبیل رئیس جمهور، نمایندگان و ... می‌باشد (موسی زاده، ۱۳۹۱: ۶۲۴).

دولت‌ها در برابر اقدامات و تصمیماتی که منجر به زیان بر علیه اشخاص می‌شود، مسئولند و باید نسبت به آثار حقوقی و کیفری آن متعهد باشند. دولت‌ها در پروتکل همکاری منطقه‌ای برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و سایر مواد مضر تعهد می‌کنند تا تدابیر لازم را در سطح ملی و منطقه‌ای به کار گیرند. البته زمانی که دولت‌ها نتوانند به علت کمبود امکانات به تنهایی با آلودگی مقابله کنند، می‌توانند از دولت‌های دیگر تقاضای کمک کنند؛ البته این پروتکل برای کشورها حقی را ایجاد نکرده است و تنها دولت‌ها را مجاز خواهد کرد تا با در نظر گرفتن امکانات و شرایط، دیگر اقدامات مناسب را انجام دهند. براساس پروتکل، مرکزی به نام «کمک‌های متقابل موارد اضطراری در دریا» تشکیل شد. هدف این مرکز، تسهیل کمک دولت‌ها به مبارزه با آلودگی در موارد اضطراری است؛ پروتکل مربوط به آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره برای جلوگیری از بروز حوادث و محدود کردن آلودگی ناشی از تخلیه مواد مضر در دریا در زمان عملیات کاوش و بهره‌برداری از منابع فلات قاره مقررات جامع و کاملی وضع می‌کند. در این پروتکل به شکل خاص منظور آلودگی‌های ناشی از اکتشاف و استخراج منابع از خلیج فارس است؛ اقدام دولتها برای کاهش اثرات زیست محیطی آلودگی دریاها بنابراین کشورهای حاشیه خلیج فارس و به ویژه ایران باید همه اقدامات لازم را انجام دهند تا مطمئن شوند که فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها چنان انجام می‌شوند که سبب خسارت ناشی از آلودگی به کشورهای دیگر یا محیط زیست آن‌ها نمی‌شود و آلودگی ناشی از حوادث یا فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل آن‌ها به خارج از نواحی که آنها حق حاکمیت خود را مطابق با این کنوانسیون به کار می‌گیرند، گسترش نمی‌یابد (مشهدی ۱۳۸۷: ۶) مساله بعدی بحث شناسایی مبنای این نوع



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۹۴

سال نهم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۸

مسئولیت می‌باشد که به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۲-۵- مبنای حقوقی جبران خسارت توسط دولت

در این قسمت در صدد هستیم که بدانیم آیا می‌توان مسئولیت مدنی دولت را در قبال جبران خسارات زیست محیطی براساس مبانی مطروحه در مسئولیت مدنی و به عبارت دیگر ضمان قهری توجیه نمود. اندیشه □ مسئولیت دولت بر پایه مسئولیت مدنی با نظریه‌های مختلف همچون نظریه تقصیر و نظریه خطر و نظریه تضمین حق مطرح می‌شود. اینک به بررسی مسئولیت مدنی ایران براساس هر یک از این مبانی می‌پردازیم.

۱-۲-۵- نظریه تقصیر

همانگونه که اشاره شد مسئولیت مدنی در حقوق ایران به طور کلی براساس تقصیر استوار می‌باشد. و علی‌الاصول مسئولیت بدون تقصیر استثناء می‌باشد. (دبستانی، ۱۳۷۶: ۳۵)

براساس این مبنا، هر کس در ارتکاب ضرر به دیگری مرتکب تقصیر شده باشد، مسئولیت دارد و تقصیر هم براساس قانون اعم است از تعدی و تفریط (ماده ۹۵۳ قانون مدنی). پس بر این اساس وجود یا عدم تقصیر، علت مسئولیت یا عدم مسئولیت می‌باشد. و هر گاه علل مختلفی سبب ورود خسارتی شوند باید به دنبال عاملی بود که مقصر است (ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی). ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به عنوان یک اصل در این خصوص مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر می‌شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. به نظر می‌رسد. (داراب پور، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

علی‌ایحال در تحلیل مسئولیت مدنی دولت براساس تقصیر؛ چنین تصور می‌شود که دولت براساس قصور یا تقصیری که در حمایت از محیط زیست داشته، مسئول جبران خسارات وارده است و به عبارت دیگر چون مرتکب قصور شده است پس باید جبران خسارات را بر عهده بگیرد. (غمامی، ۱۳۷۶: ۱۱). بنابراین ایران در خصوص ایجاد آلودگی در زیست محیط خلیج فارس طبق قاعده مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر می‌بایست جبران خسارت کند. مثلاً آلودگی ناشی از کشتی‌ها، به‌ویژه اقدامات مربوط به جلوگیری از تصادفات و اقدام در موارد فوری و اضطراری، تضمین ایمنی عملیات در دریا، جلوگیری از تخلیه‌های عمدی و غیرعمدی



و تنظیم طرح، ساخت، تجهیزات، عملیات و اداره کشتی‌ها نیز به جبران خسارت زیست محیطی در خلیج فارس دارد.

۲-۵- نظریه خطر

فلسفه‌های گوناگونی در خصوص ایجاد نظریه^۱ مزبور مطرح گردیده است، در مهمترین فلسفه باید گفت هر شخصی که در دنیا تصمیم به انجام عملی می‌گیرد مستحق تمام منافع حاصل از آن و نیز مسئول تمامی ضررهای ناشی از آن عمل است که به خود و دیگران وارد آورده است. وقتی فرد با علم و اختیار به انجام فعالیتی مبادرت می‌ورزد که از منافع آن منتفع گردد قطعاً باید پذیرای خطرات ناشی از این فعالیت نیز باشد و نمی‌تواند زیانهای حاصل از منافع خود را به دیگران تحمیل کند. ایجاد محیط ناامن و اقدام به عملیات خطرناک که از سوی کارفرمایان و علی‌الخصوص دولت به عنوان کارفرمای بزرگ صورت می‌گرفت مشهورترین نظریه‌ای که در حقوق کامن لا بر مبنای «اختیارگرایی» و به عبارتی نظریه^۲ خطر مطرح گردیده است، نظریه اِپستین در مقاله^۳ مشهور وی تحت عنوان نظریه مسئولیت محض است. به نظر وی، در صورتی که فرد تصمیم بگیرد و در دنیا عملی انجام دهد، مستحق تمام منافع حاصل از آن و نیز مسئول تمام ضررهایی است که از آن عمل به خود وی و دیگران وارد می‌آید. به عبارت دیگر منافع و ضررهای اعمال هر فرد به خود وی بازمی‌گردد و منصفانه نیست تا کس دیگری را مجبور به تحمل آن نماییم.

توجیه مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات زیست محیطی بر بنیاد نظریه خطر بر این اساس استوار است که هر کس از منافع عمل زیانبار بهره‌مند می‌شود بایستی مسئول جبران خسارات هم باشد. قاعده^۴ فقهی «من له غنم فعلیه عزم» نیز مؤید این امر است. بنا بر عقیده طرفداران این گروه همین که شخص زیانی به بار آورد، باید آن را جبران نماید، خواه کاری که سبب ایجاد ضرر شده خطا باشد یا صواب. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۸۵). این نظریه با حذف تقصیر از زمره ارکان مسئولیت مدنی، اثبات این گونه دعاوی را راحت می‌نمود و همین که رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر وارده احراز شود کافی است. مانند ریختن مواد سمی مضر یا مهلک در دریا، به‌ویژه آن‌هایی که از راه منابع زمینی، از راه هوایی یا از راه ریختن زیاله استمرار و تداوم دارند که خطر ایجاد می‌کنند. (عباسی اشلقی، ۱۳۹۰: ۵۳)

. پس همانگونه افراد یک جامعه از تشکیل جامعه منتفع می‌شوند؛ بایستی خسارات وارده



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

نیز سرشکن شود. بنابراین وقتی دولت به جبران خسارت می‌پردازد؛ در واقع خسارت را بر علیه همه چیز می‌نماید. (دلماس مارتی، ۴۱: ۱۳۸۱).

۳-۲-۵- نظریه تضمین حق

هر کس در جامعه، حقوقی نسبت به زندگی و تمامیت جسمانی و اموال خود دارد که این حقوق بایستی بوسیله دولت تضمین گردد. و خساراتی مانند زیست محیطی در قالب حقوق مالی و معنوی تجاوز به حقوق محسوب شده طوریکه حتی لطمه به حق، دلیل کافی برای وضع ضمانت اجرا است و چنین ضمانت اجرایی چیزی جز تعهد به جبران خسارت نیست (بادینی، ۲۹۸: ۱۳۸۴) در نظریه مذکور، علم دولت به ناتوانی کارکنان خود در جبران خسارت‌های وارده و حمایت از حقوق زیان‌دیده، جبران خسارت وارده از سوی مأمورین دولتی را به عهده وی قرار می‌دهد.

۶- دیدگاه اسلام در زمینه جبران خسارت محیط زیست توسط دولت

از آنجا که انسان به عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط زیست در ارتباط است، بدیهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آنها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است؛ به طوری که می‌توان گفت در اسلام، جامع‌ترین دیدگاه و صحیح‌ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان شده است. نظام اخلاقی اسلام از ظرفیت بالایی برای کاهش بحران و تخریب محیط زیست برخوردار است. هدف اساسی این نظام تغییر در نگرش انسان، نسبت به آنچه در اختیار دارد، است تا به این فهم و ادراک عمیق برسد که او امانت دار است و امکانات و منابع طبیعی و زیست محیطی را که براساس مصالحی در اختیارش قرار داده شده، فقط در جایی می‌تواند استفاده کند که مالک حقیقی آن اجازه دهد و همه ابعاد فردی، اجتماعی، انسانی و غیرانسانی استفاده از منابع زیست محیطی را باید در نظر بگیرد. پس، حق ندارد با طبیعت رفتارهایی داشته باشد که منجر به تخریب آن می‌شود. در دیدگاه اسلامی، انسان جانشین خداوند در روی زمین است. قرآن مجید تعلیم می‌دهد که کیهان، طبیعت و محیط، همگی آیاتی از آفریدگار جهان هستند. در روی زمین هیچ دینی بر ضد تخریب محیط زیست



و حیات جانداران، همچنین در برابر نابودی منابع و ثروت طبیعی اعطایی خداوند، چنین ندایی روشن در نداده است. نظام اخلاقی محیط زیست در اسلام به طور عمده بر مبنای دیدگاه‌های پایه‌ای اسلام به انسان و طبیعت استوار است.

۱-۶- قاعده لاضرر:

این نظریه که مبین مفاد حدیث لا ضرر است می‌گوید: در اسلام از طرف شارع هیچ حکم ضرری وضع نگردیده است. بر این اساس ضرر زدن به دیگران نیز جایز نیست. لذا آلوده ساختن محیط زیست و تخریب و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن‌ترین نمونه‌های زیان زدن به دیگران (عموم و خصوص مردم) است که اسلام با قاطعیت آن را مردود شمرده است و از آن‌جا که ضرر به محیط زیست (حیات و مال شهروندان) نیز می‌تواند از مصادیق این حکم باشد به دلالت این قاعده می‌توان ضمان قهری صدمه زندگان به محیط زیست را از طریق نفی ضرر غیرمتدارک و ملازمه ضرر با جبران و همچنین استفاده از شمول احکام عدمی، مورد مذاقه قرار داد.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های پایه‌ای جهان اسلام

۹۸

سال نهم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۸

خلاصه این‌که مبنای مسئولیت مدنی در اسلام و سیاست خارجی ایران بر اساس قاعده لا ضرر استوار است.. بنابراین برای جلوگیری از این تهدیدات باید مدیریت زیست‌محیطی گسترش و ارتقا یابد. برای اقدام عملی در زمینه مدیریت زیست‌محیطی، همراهی دولتها، زنان و رسانه‌ها ضرورت دارد (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۵۱۴). گسترش آلودگی‌های زیست‌محیطی سبب شد که در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی و سپس در سطح جهانی جنبش‌هایی برای جلوگیری از توسعه آلودگی صورت گیرد. این جنبش‌های روشنفکرانه که بعدها رنگ سیاسی به‌خود گرفت، برای حفاظت از طبیعت و محیط‌زیست طبیعی در کشورهای غربی به‌وجود آمد و زنگ خطر از بین رفتن محیط‌زیست را در دنیا به صدا درآورد. با افزایش میزان آلودگی، بر اعتبار این جنبش‌ها نیز افزوده شد تا آنجا که از چند سال پیش به‌دلیل محبوبیتی که این جنبش‌ها در بین افکار عمومی به‌دست آوردند از راه سیاسی وارد عمل شدند و کرسی‌هایی را در پارلمان کشورهای خود به‌دست آوردند. اکنون که خطر محسوس‌تر شده است، تمام احزاب و گروه‌های سیاسی در غرب تلاش می‌کنند که خود را طرفدار محیط‌زیست نشان دهند و برای بهتر حفظ‌شدن طبیعت پیشنهادهایی را ارائه می‌دهند؛ اما درحقیقت، زمینه‌ساز این تظاهرات و آشفتگی‌های سیاسی، انگیزه‌های اخلاقی، تربیتی و همچنین وحشتی است که بر

افکار عمومی نسبت به محیط اطرافشان سایه افکنده است. به این ترتیب، از چند سال پیش فکر ایجاد رابطه جدیدی با طبیعت در افکار شکل گرفت. پایه این فکر این است که منابع طبیعی مورد استفاده بشر نامحدود نیست و افزون براین، ضایعاتی که بهره‌برداری بی‌رویه به طبیعت وارد می‌کند، می‌تواند مانع آلودگی‌های زیست محیطی شود.

۷- مهم‌ترین وظایف سیاست خارجی ایران درباره محیط زیست

هدف اساسی سیاست خارجی ایران در بخش محیط زیست، تأمین پایداری و استفاده عادلانه و کارآمد از منابع طبیعی و انسانی است. بدین منظور، اقدامات متفاوتی را در چهار زمینه اصلی برنامه ریزی، قانون گذاری، نظارت و مالکیت عمومی منابع را به عهده می‌گیرد. براساس این چهار زمینه مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی درباره محیط زیست عبارتند از:

۱. پی ریزی قوانین زیست محیطی بر پایه اصول و مقررات؛
 ۲. اجرای قوانین مبارزه با مفسدان زمین و تخریب گران طبیعت برای تأمین مصالح عمومی؛
 ۳. توجه به مسائل محیط زیست و اخلاق زیست محیطی در تعلیم و تربیت اسلامی و فرهنگ سازی زیست محیطی بر اساس تعالیم آسمانی؛
 ۴. بهره گیری از افراد شایسته در هرم اداری محیط زیست که با قدرت تمام توانایی مقابله با مفسدان را داشته باشند؛
 ۵. بهره گیری از شیوه‌های جدید زیست محیطی سازگار با نظام اسلامی؛
 ۶. بهره گیری از سیاست‌های کلان اقتصادی و فرهنگی برای توسعه پایدار توأم با حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست؛
 ۷. ترسیم و ارائه راهکارهای انتقال از وضعیت موجود محیط زیست به وضعیت مطلوب آن؛
 ۸. تلاش برای توانمندسازی محققان و تولید اطلاعات پژوهشی و توسعه مدیریت شبکه‌های به منظور ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی و صنعتی و پزشکی و توسعه دانش فناوری‌های نوین با محوریت محیط زیست.
- برگزاری سمینارها و نشست‌های علمی برای تعیین اهداف و منافع مشترک حفظ محیط



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

زیست دریایی.

-شناخت منابع آلوده‌کننده‌ای که در خشکی و مناطق ساحلی وجود دارد و برنامه‌ریزی جهت مقابله با آن.

-برگزاری دوره‌های آموزشی، علمی و تخصصی در سطح منطقه در ارتباط با ساخت جزایر مصنوعی.

-همکاری و مشارکت کشورهای پیرامون منطقه خلیج فارس برای بهسازی و پاکسازی این منطقه در جهت حفظ چشم اندازهای طبیعی آن.

-فرهنگ‌سازی بین اقشار مختلف مردم منطقه در جهت حفاظت از محیط زیست خلیج فارس (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۷۲).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس‌الهام الاسلامی

۱۰۰

سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

۸- مبنای اجتماعی و اخلاقی جبران خسارت توسط دولت ایران

اینک با بررسی مبانی حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال جبران خسارات زیست محیطی؛ ناکارآمدی تمسک به اینگونه مبانی در جهت جبران خسارت روشن می‌گردد. پس لاجرم باید در جستجوی مبنای دیگری که مبتنی بر قواعد اجتماعی و اخلاقی باشد بود. دگرگونی‌های مبانی مسئولیت مدنی دولت (حرکت از سوی مسئولیت مدنی به مسئولیت اجتماعی) تئوری است که در گفتمان‌های جدید در زمینه مسئولیت مطرح می‌شود. نخستین مبنای این دگرگونی بر این قاعده استوار است که معتقد است حق شهروند بر حق حاکمیت (دولت) برتر می‌باشد. (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۲۱) بر این اساس دولت از لحاظ اجتماعی موظف به تأمین وصیانت از محیط زیست سالم و عاری از هرگونه آلودگی بعنوان حقوق اولیه و بنیادین افراد ملت کشور می‌باشد.

۸-۱- نظریه همبستگی اجتماعی

در تبیین این مبنا می‌توان چنین گفت که همبستگی اجتماعی، دخالت جامعه مدنی در جبران خسارت زیست محیطی را توجیه می‌کند و در اصل به وظیفه دولت مربوط می‌شود و به همین جهت از آن به وظیفه دولت در نمایاندن همبستگی اجتماعی تعبیر شده است (دبستانی، ۱۳۷۶: ۱۴۰).

جامعه به عنوان موجودی زنده است که در عین کثرت، از وحدت برخوردار می‌باشد. آحاد جامعه علی‌رغم اختلاف‌های نژادی، جنسیتی، مذهبی، فرهنگی و... احساس همبستگی دارند. همین حس همبستگی است که آنان را به واکنش در قبال اقدام‌های مخرب محیط زیستی وادار می‌کند. ژان ژاک روسو، در این خصوص با طرح نظریه قرارداد اجتماعی، بنیاد پیوستگی و همبستگی اجتماعی را در قرارداد نانوشته‌ای می‌داند که اعضای جامعه با یکدیگر دارند. وی معتقد است: همه اعضای جامعه به گونه‌ای با یکدیگر متعهد شده‌اند که همه استعدادها و توانایی‌های شخصی و فردی خود را برای حمایت همه جانبه از دیگران بکار بندند. بدین وسیله، از حمایت‌های همه جانبه دیگران بهره‌مند خواهند شد. بنابراین، این تعهد دو سویه و قرارداد اجتماعی، عامل ایجاد و ضامن بقای همبستگی اجتماعی می‌باشد. خلیج فارس به عنوان یک اکوسیستم منحصر به فرد و نیز به عنوان یک آبراه حیاتی بین‌المللی علاوه بر آسیب‌های ناشی از تردد نفت‌کش‌ها و نیز استخراج نفت از فلات قاره، جنگ اول و دوم خلیج فارس و نیز، به لحاظ رشد فعالیت‌های صنعتی و بهره‌برداری غیرمنطقی از منابع شدیداً در زیر فشار قرار دارد. لذا در جهت بهسازی و پاک‌سازی این اکوسیستم از آلودگی‌ها، همکاری‌های زیست‌محیطی کشورهای پیرامون خلیج فارس در جهت تصمیم‌گیری صحیح و راهبردی ضرورت داشته و همچنین رعایت قرار دادهای بین‌المللی، جلوگیری از آلودگی دریایی و ضوابط محیط زیست دریایی جز ملزومات هستند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

نتیجه گیری

کشورهای خلیج فارس باید با تدبیر و کارایی خاص و روی آوردن به همگرایی و همکاری هر چه بیشتر در حفظ محیط زیست این منطقه کوشا باشند و برای جلوگیری از به خطر افتادن این اکوسیستم حداکثر تلاش خود را انجام دهند. برای کاهش آلودگی های زیست محیطی و جبران خسارات همکاری کشورهای منطقه و پذیرفتن احساس مسئولیت رفتار خود را می طلبد. اکوسیستم این منطقه به طور مدام در معرض مخاطرات مستمر می باشد و آگاهی کشورهای حاشیه خلیج فارس در حفاظت از این منطقه حائز اهمیت می باشد. و بدون همکاری کشورهای ساحلی این امر مکان پذیر نمی باشد.

به طور کلی می توان گفت بسیاری از خسارات زیست محیطی نتیجه عملکرد دولت ها است، بنابراین لازم است که قوانین خاصی در این زمینه وضع شود و به صراحت در جبران خسارات زیست محیطی برای دولت مسئولیت محض پیش بینی شود در راستای صیانت از محیط زیست می بایست با عنایت بر وضع قوانین متناسب و با تأکید بر توسعه سازمانهای مردم نهاد در حوزه حمایت از محیط زیست اقدام نمایند و آیین دادرسی ویژه ای را در راستای پی گیری دعاوی مربوط به خسارات زیست محیطی از سوی شهروندان که عامل زیان دولت یا سهل انگاری دولت می باشد تبیین نمایند.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۰۲

سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

منابع

- اتوتایل، ژئاروید، دالبی، سیمود، روتلج، پاول (۱۳۸۰)، اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه: محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- ببران، صدیقه، قادری، محمدرضا (۱۳۸۸)، محیط‌زیست خلیج فارس و دریای عمان، تهران: گروه پژوهشی توسعه پایدار و محیط‌زیست، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- جمالی، حسین (۱۳۸۵)، تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، قم: انتشارات زمزم هدایت.

- جوادی، محمد و همکاران (۱۳۸۷). خلیج فارس - و چالشهای زیست محیطی آن، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان.

- جوزی، سیدعلی، جعفرپور، جاوید، شعاریان، فرشا (۱۳۸۹)، حقوق محیط‌زیست، تهران: انتشارات علم کشاورزی ایران.

داراب پور، مهرباب (۱۳۸۲). مسئولیت‌های عام مدنی، مسئولیت برای جبران خسارات وارده، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

دبستانی، پوپک (۱۳۷۶). حمایت از بزه‌دیده در نظام کیفری انگلستان و ویلز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

دلماش مارتی، میری (۱۳۹۳). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سیزدهم، تهران، میزان.

- زرگوش، مشتاق (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

- رنجبر، محسن، ندیری، مژگان (۱۳۸۷)، ارزیابی مسائل زیست محیطی خلیج فارس، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۰)، ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۸.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های نوین جهان اسلام

۱۰۳

تبیین سیاست خارجی ایران در جبران خسارت زیست ...

- غمامی، مجید (۱۳۷۶). مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
- عقیلی، سید وحید (۱۳۸۷). خلیج فارس، محیط زیست، توسعه پایدار، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- فرانکل، جوزف (۱۳۷۶)، نظریه معاصر بین‌المللی، ترجمه: وحید بزرگی، تهران: اطلاعات.
- فهیم دانش، علی (۱۳۸۵)، «حقوق محیط‌زیست خلیج فارس و کنوانسیون کویت (راپمی)»، ماهنامه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۲۰۱.
- مشهدی، علی (۱۳۸۷)، «حقوق محیط‌زیست دریایی و گسترش پدیده کشند سرخ در منطقه خلیج فارس»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره ۴.
- ممتاز، جمشید (۱۳۳۸)، «حمایت و توسعه محیط‌زیست دریایی خلیج فارس و دریای عمان»، مجله حقوقی، شماره ۱۱.
- موسی زاده، ابراهیم (۱۳۹۱). حقوق اداری، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
- نصیری، حسین (۱۳۷۹)، توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم، تهران: نشر فرهنگ و اندیشه.
- هاشمی، حمیده سادات (۱۳۸۷)، «گسترش پدیده کشند قرمز در سواحل ایران»، مجله بندر دریا، شماره ۲۴.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۳۰۴

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

امامی قشلاق، محسن، هاشمی، سید محمد؛ محبی، محسن؛ رستمی، ولی (۱۳۹۸)، «تبیین سیاست خارجی ایران در جبران خسارت زیست محیطی در حوزه خلیج فارس» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۹، ش ۳، پاییز ۹۸، صص ۸۷-۱۰۴